هفته نامهء سیاسی، فرهنگی و خبری

والعصر

امروز ما

ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان

شمارهء بیستم - یکشنبه ۱۰ سرطان ۱۳۷۵ - ۲۹ جون ۱۹۹۶م - ۱۴ صفر المظفر ۱۴۱۷ هـ ق

استاد خلیلی در دیدار با نمایندگان صلیب سرخ جهانی:

ما هرگز نمی خواهیم کسی را بخاطر باورهای اعتقادی اش زندانی نماییم

ما بسیار ناراحت هستیم که جمعی از انسانها در زندان ما بسر می برند، ولی بخاطر اینکه تعدادی از مردم مظلوم ما، بیگناه نزد دیگران محبوس هستند، ما چارهء نداریم تا آزادی آنها این اسیران را نزد خود نگهداریم.

علاقه مند هستیم که انسانهای مظلوم زودتر آزاد شوند.

عصر روز سه شنبه مطابق با ۱۳۷۵/۳/۲۹ آقایان پاسکال مسؤل ارزیابی وبازدید از محبوسین وچکورا، مسؤول شعبه همکاری صلیب سرخ جهانی، با حضور درمقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا دیدار وگفتگو نمودند.

خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان خبر می دهد؛ در این دیدار ابتدا نماینده صلیب سرخ ضمن ابراز مسرت از ملاقات ص۵

محترم حاجی محمد محقق عضو شورای مرکزی و مسئول امور سیاسی حزب وحدت اسلامی در صفحات شمال و داکتر سیماثمر عضور شورای مرکزی ح. و. ا. ا. در جلسه اجتماعیه کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا سخنرانی کردند

روز چهارشنبه هفته گذشته جلسه اجتماعیه کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا، متشکل از نماینده گان گروههای جهادی، شخصیت های مستقل افغانی و افغانستان شناسان، به ابتکار سناتور براون، دایر گردید. سخنرانان اکثراً از مداخلات خارجی در امور افغانستان گلایه داشته، خواهان قطع مداخلات خارجی گردیدند.

همچنین در این جلسه محترم حاجی محمد محقق، داکتر سیماثمر و انجنیر فایزه فلاح از اعضای شورای مرکزی ح. و. ا. ا. به نمایند گی از سوی حزب وحدت اسلامی، شرکت داشتند. و حضرت حجةاله سلام و ص۷

هفته گذشته در اثر راکت باران طالبان در غرب کابل سیزده تن کشته، ده ها تن مجروح گردید

روز شنبه مورخ ۱۳۷۵/٤/۲ اصابت چندین راکت در غرب کابل باعث کشته شدن هشت شاگرد مکتب و پنج نفر عابر گردید. در ص۷

انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی، با کاروانی متشکل از صد ها موتر و عراده جات وارد کابل گردید

بدنبال امضای توافقنامهء شش ماده ای ما هیپر در اوایل جوزا، روز چهارشنبه هفته گذشته، امیر حزب اسلامی با کاروان عظیم وارد شهر کابل گردیده، بعنوان صدر اعظم، مراسم تحلیف را در هوتل بین المللی کابل بجای آورد.

کاروان امیر حزب اسلامی در حوالی ساعت پنج بعد از ظهر وارد شهر کابل گردید. گفته می شود از دو روز قبل، اداره ص٦

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

مردم کابل چه گناهی دارند که خاموش و بی صدا قربانی خصومت ها گردند

انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی، در پی یك توافقی که در اوایل ماه جوزا در ماهیپر به امضاء رسید، روز چهارشنبه هفته گذشته با کاروانی متشکل از صدها موتر وارد شهر کابل گردید. ورود این کاروان که می بایست پیام آور صلح و آشتی و نوید دهنده پایان کشتارها و بارش راکت ها می بود، مردم کابل را با موجی از خشونت، قساوت و بی رحمی مواجه ساخته، باران راکت هابیش از شصت نفر از مردم بی گناه کابل را در مقدم این کاروان بزرگ، قربانی نمود!

و این نشان داد که امضای توافقنامه ماهیپر، میوه دیررسی بود که از فصل مناسبش گذشته، در فصل خزان. عرضه گردید.

دیروز اداره ربانی طالبان را پیام آور صلح و فرشتگان سفید بال نجات می خواند و با مدح و ثنا آن ها را تا دروازه های کابل بدرقه کرد و در آن شرایط انجینر حکمتیار امیرحزب اسلامی، بزعم ربانی باید به دادگاه بین المللی سپرده شده محاکمه می گردید، و طالبان درست برای فراهم (ص٦)

دگر جنرال رسول پهلوان معاون اول شورای نظامی صفحات شمال قربانی یك حمله ناجوانمردانه تروریستی گردید

ساعت هفت بعد از ظهر روز دو شنبه هفته گذشته دگر جنرال رسول پهلوان معاون شورای نظامی صفحات شمال و رئیس شواری نظامی ولایت فاریاب هدف حمله تروریستی قرار گرفته، جان خود را از دست داد.

طبق گزارش واصله از مزار شریف، این حمله تروریستی زمانی انجام گرفت که جنرال رسول پهلوان از دشت شور ص۷

دریاکسازی ولسوالی پنجاب ۳۵ نفر از مزدوران باند خیانت ومعامله در حالیکه کلاشکوف های برچه دار ودوقبضه ای ایرانی در دست داشتند به اسارت نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی در آمدند

روز چهارشنبه مطابق ۱۳۷۵/۳ مرکز ولسوالی پنجاب از وجود مزدوران باند خیانت ومعامله، پاکسازی وبه تعداد ۳۵ نفر ازین مزدوران در حالیکه به کلاشنکوف های برچه دار ودوقبضه ای ایرانی مسلح بودند، به اسارت نیروهای حزب وحدت اسلامی در آمدند.

خبرگزاری وحدت اسلامی، از بامیان گزارش می دهد: طی این عملیات تصفیوی که از ساعت چهار صبح شروع شده بود تا ساعت دوازده ظهر مرکز واطراف ولسوالی پنجاب از وجود شرارت پیشه گان باند خیانت ومعامله کاملا پاکسازی گردید.

ص ۸

دراین شماره میخوانید

افغانستان صحنه رقابت... ص۲

آیا تلاشهای جاری به صلح ... ص۳

نیم نگاهی به توافق میان... ص٤

از طرف ما در رابطه با قطع جنگ، تبادلهء اسراء، بازگشت مهاجرین و آزاد بودن راه ها هیچ پیش شرطی وجود ندارد.

رهبر شهید در صحبت با اعضای شورای صلح غرب کابل

افغانستان صحنهء رقابت خشن بین المللی

مبالغه نخواهد بود که بگوییم؛ تاریخ افغانستان یك تاریخ جنگی و سراسر خشونت، کشتار و ویرانی بوده است. کشور ما میراث دار تاریخی است که از هر بند بند آن، بوی خون می طراود. جنگ، کشتار و ستم، سنت دیرپای است که هرگونه زمینه تفکر برای انکشاف کشور را، سلب نموده است. عقب مانده گی، فقر بی سوادی، تعصبات جاهلانه مذهبی، قومی و قبیله ای، همه وهمه میراث تاریخ جنگی کشور ماست.

متاسفانه در ریشه یا بی این روند خشونت بار تاریخی، در هر زمانی ردپای رقابت های بین المللی را می یابیم که مردم کشور ما را به دوصف متخاصم تقسیم نموده، به کشتار یکدیگر وا داشته اند.

در ادوار بسیار طولانی، افغانستان محل تلاقی و نقطه حایل سیاست های خصمانه شرق وغرب بوده است و همین حالت باعث شده است که این کشور با رکود اقتصادی و اجتماعی شکننده ای مواجه گردد ونیز فاقد یك ساختارسیاسی ملی که سیاست هاي مستقل ملی را تعقیب نماید. دولت ها اغلب آلت دست و عامل اجرای یك قدرت خارجی، بدون پایگاه اجتماعی بوده، تمایل به بر قراری موازنه مثبت، گرچه از سوی برخی از شخصیت ها در مقطع های از تاریخ سیاسی کشور ما ابراز گردیده اما وابستگی رژیم ها همیشه سنگ مسیر تعمیل این دیدگاه بوده است. سیاست در حال نوسان به سمت اطراف رقابت کننده،زمینه های تشویق کننده، سرمایه گزاریهای خارجی را، عملاً از بین برده رژیم موجوده را بیش ازپیش به خط وابستگی الزام می نموده است.

فقدان پایگاه اجتماعی. ماهیت شبه کودتایی رژیم ها که یگانه عامل تعیین کنندهٔ وابستگی به منافع بیگانه، به حساب می آید در هیچ زمانیٰ اجازه نمی داده که حکومت های وقت، سیاست مستقل ملی را در پیش گیرند. ادامه دیر پای همین وضعیت است که ساختار سیاسی را در کشور ما در مقابله با مردم کشانده، خط فاصلی بین مردم و حکومت بوجود می آید. بهترین حکومت از نظر مردم همان است که شر شان به مردم نرسد؛چه اینکه مردم هر گز انتظار خیری از حکومت و عمال آن ندارند.

مردم از سیاست بدور و سیاست عامل اجرای منافع قدرتهای رقابت کننده و این حالت، باعث شده است که کشور ما از تجربه یك سیاست ملی بدور مانده، نه رهبران توانستند آن پختگی لازم سیاسی را کسب نمایند و نه مردم فرصت آن را یافتند که اعمال اراده سیاسی و قدرت عمومی را تجربه نمایند. البته باید به این واقعیت اذعان نمود که وابستگی سیاست کشور، به رقابت های فوق الذکر عملاً مانع ازین شد که قدرت عمومی شکل گرفته و مردم بعنوان دارنده آن، منبع قدرت و مشروعیت شناخته شوند.

سیاست وابسته و غیر ملی، همیشه مساوی با حذف مردم ازصحنه و ساکت ساختن آن ها توسط رژیم اختناق است. ترس تنها رابطه ایست که حکومت را به مردم ربط می دهد. هزینه بر قراری یك چنین رابطه به مراتب کمتر است از بر آوردن توقع مردم در یك نظام سیاسی مردم سالارانه، زیرا در یك چنین نظام سیاسی همه سرمایه های ملی باید در جهت رفاه اجتماعی بکار گرفته شود. در غیر این صورت، حکومت پشتوانه مردمی خود را از دست داده سقوط می نماید. در این نظام،تشکیلات حکومتی نزد مردم مسئول است و رئیس حکومت و دولت، باید پاسخ گوی اعمال کار گزاران حکومتی باشند و حکومت در خدمت مردم و به وکالت از طرف مردم قدرت عمومی را در راستای تأمین آسایش روانی و رفاه مادی، بکار می اندازد.

بدیهی است در این نوع نظام، سیاست کشور نمی تواند، آلت دست منافع قدرت بیرونی باشد و با نادیده گرفتن اقتدار ملی، کشور را به مزدوری سیاسی، سوق دهد. بدین لحاظ ادامه روند مزدوری مستلزم جلوگیری از استقرار نظام مردم سالارانه در کشور وابسته است. در فقدان یك چنین نظام است که تمام نیروهای موجود در خدمت قدرتهای خارجی، قرار می گیرد و درازای آن، هزینه بقای خود را در مقابل اعتراض عمومی، در یافت می دارد.

در یك چنین شرایط سیاسی است که سیاست در کشور ما، افاده مفهوم می نماید و در تلقی این نوع مفهوم از سیاست، سیاستمداران، رشد نموده، در صحنه سیاست وارد می شوند.

طبیعی است این عناصر که در روند سیاست وابسته، تربیت یافته اند، از حل پرابلم های ملی بر مبنای منافع ملی، عاجز اند. و تنها در سیاست رقابتی دگماتیستی و انعطاف نا پذیر هدایت شده از سوی طرفهای بین المللی رقابت کننده،مهارت کسب می کنند. این نوع سیاست را می توان نسخه دومی از رقابت خان سالاری قبیله ای، به حساب آورد که کمتر به تفاهم می رسد و آشتی ناپذیر تا مرز نابودی طرف مقابل، به پیش می رود.

تفاهم در این نوع سیاست یك ابتکار وطنی برمبنای مصالح ملی نیست که اگر ضرورتی براي آن احساس شود، از لوازم فعل وانفعالات بین المللی و با مشوره قدرت بیرونی بوجود می آید. یك عامل مهم منع کننده تفاهم ملی در کشور، محصور ماندن آزمایش سیاست، در قالب های قبیله ای می باشد. سیاست در قالب های قبیله ای، هم باعث انحصار قدرت سیاسی و هم سبب متاثر شدن آن از مکانیزم عمل اجتماعی قبیله ای، شده است. مثلاً لوی جرگه یك مکانیزم اجتماعی قبیله ای می باشد برای حل پرابلم های جامعه و در عصر کنوني به هیچ وجه قادر نیست که در سطح ملی، مسایل بزرگ کشوری را حل و فصل نماید؛اما در عین حال این مکانیزم بعنوان حل کننده، معضلات اجتماعی، ذهنیت رهبران سیاسی کشورها را به خود معطوف می دارد.

درست در ادامه سنت سیاسی فوق الذکر است که رژیم کودتایی ائتلاف خلق و پرچم با پیروزی سیاست رقیب شرقی در غیبت رقیب غربی از منطقه (در اثر پیروزی انقلاب اسلامی ایران) در افغانستان پا بعرصه می گزارد. حاکم شدن این رژیم در اثر یك کود تای خونین، اگرچه به ظاهر اولین تجربه اداره قدرت سیاسی توسط یك جریان حزبی است اما در حقیقت این جریان هم نتوانست خود را از قالب های سنتی قبیله ای، رها ساخته یك جریان کامل سیاسی حزبی را آزمایش نماید. چون اولاً این دو جریان حزبی از ابتدا بر اساس همان گرایش های قبیله ای بوجود آمده بود و ثانیا در ادامه حاکمیت خود هم نتوانست از تأثیرات تمایلات خشن قبیله ای جلو گیری نموده سر انجام همین تمایلات باعث شد که این دو حزب کاملا از بین رفته، به عمر شان نقط پایان گذاشته شود

نابودی این احزاب از سوی دیگر ما هیت وابستگی آنها را به سیاست رقابتی روس سالار، نیز اثبات می سازد.

این وابستگی تاحدیست که باخارج شدن روسیه ازدور رقابت، این احزاب نیز کاملااز هم می پاشند .بدیهی است که از سرگیری دوباره فعالیت آن ها مربوط می شود به فعال شدن کمونیست های سنتی در روسیه و آغاز دوباره رقابت ها، همچنین ایجاد ترکیب نوین در ساختار حزبی. این پیش بینی صرفااز زاویه دید تحلیل وابستگی این احزاب به رقابت های بین المللی می باشد اما اینکه شرایط داخلی برای بازگشت دوباره آنها درصحنه سیاسی کشور چه ایجاباتی را می نماید ،مربوط به طرز عمل احزاب جهادی می باشد.

جهاد در افغانستان، همه گیر بود وتمام مردم افغانستان را درصحنه مبارزه با اشغالگران و رژیم وابسته کشاند.

گذشته از رقابت های بین المللی که نوعی مقابله با سیاست تهاجم روسیه را درافغانستان ایجاب می کرد، مردم افغانستان خود بخود وباالهام گیری از آموزش های دینی ومذهبی نیز قیام سرتاسری را آغاز کردند .بعد از آغازقیام است که کمك های بین المللی در رقابت بانظام شرقی روس سالار ،در افغانستان سرازیر می شود.

قیام خود جوش وهمه گیر مردم افغانستان، زمینه بسیار خوبی برای شکل گیری قدرت عمومی و ظهور اراده ملی در کشور بود، لیکن فقدان تشکیلات سیاسی در سطح ملی وخواستگاه قبیله ای احزاب که بعداً در اثر کمرنگ شدن ارزشهای جهاد و قداست های آن کاملا هضم خواست های مطلق گرایانه بستر قبیله ای خود گردیدند، در عمل باعث شد که چنین امری به ظهور نرسد و بازهمان شیوه سیاسی سنتی دنبال گردد.

پیروزی جهاد، باعث خوشبینی های سطحی نگرانه گردیده بود. چنین پنداشته می شد که قیام عمومی، اعمال اراده عمومی را در پی دارد .بیش از یك دهه جهاد رهایی بخش ملی، دیگر به سنت انحصار سیاسی، نقطه پایان گذاشته می شود امادیدیم که این خواب وخیال همچنان تعبیر ناشده باقی ماند. سنت نا انسانی انحصار که بمعنی نفی خود ارادیت وشخصیت ملی ومکتبی مردم است دوباره با قیافه، دیگری ازمیان سنگرهای جهاد سر برآورد.

گرچه در ادامه وابستگی به قدرت های بیرونی وسیاست رقابتی این قدرت ها در مورد افغانستان سنگ بنای حذف در خارج از مرز های کشور گذاشته شد اما در آن زمان این شیوه از ایجابات رقابت های منطقه ای به حساب می آمد ودست های کشور های بیرون از منطقه چندان محسوس نبود .مخصوصاً روسیه که در آن زمان تازه طعم تلخ شکست را چشیده بود ودر تب شدید جدایی کشورهای شوراها، به خود می پیچید، در مورد افغانستان، به ظاهر خودرا پس کشیده بود واو نیز مانند آمریکا سیاست هایش را از طریق رقابت های منطقه ای دنبال می کرد.

گویا در این رقابت ها در آن زمان نقش جمهوری اسلامی ایران ،ضعیف می نمود و بیشتر حالت انفعالی داشته، بستر اصلی تصمیم گیری پاکستان بود وعربستان سعودی از ارکان مهم تصمیم گیری به حساب می آمد .حکومت های موقت چند ماهه در پاکستان ساخته شد،متاسفانه در ساخت این حکومت همانگونه که رقابت های منطقه ای ایجاب می کرد و بیشتر این رقابت ها، ظاهر مذهبی داشت، به مردم افغانستان وجامعیت ساختار سیاسی که بتواند امنیت ورضایت همه را برآورده نماید، اصلاً توجه نشده بود.

سیاست بیرون مرزی عربستان سعودی، در مقابله با جمهوری اسلامی ایران همانگونه که در سطح کشورهای اسلامی در شکل مذهبی ظاهر می شود، در افغانستان نیز، سعی می ورزید که یك مقابله مذهبی را بوجود آورد وترکیب حکومت نیز با این دیدگاه طراحی شده بود. اما چیزی که نادیده انگاشته شده بود نقش روسیه در افغانستان بود. چنین پنداشته می شد که روسیه دشمنی آشتی ناپذیر گروه های جهادی را سال های سال علیه خود، یدك می کشد. بنابرین با از بین رفتن خلق وپرچم دیگر زمینه نفوذ برای روسیه در افغانستان باقی نمی ماند. بعلاوه خود روسیه هم درآن موقعیت نیست که سیاست های رقابتی را در افغانستان دنبال نماید.

دیده شد که این دیدگاه بسیار سطحی وظاهری بوده است. روسیه برای روز مبادای خود، شورای نظار را بعنوان الترناتیو خلق وپرچم، از دوران جهاد در نظر داشته و روی آن سرمایه گذاری نموده است. درست در زمانیکه حکومت دوماهه حضرت صاحب مجددی به پایان می رسد و ربانی بر چوکی ریاست جمهوری تکیه می زند، سیاست روسیه در افغانستان، به حرکت می آید. دسته بندی های قبل از فروپاشی شوروی در منطقه، دوباره شکل می گیرد، ایران وهند و روسیه در خط رقابت با غرب، پاکستان وعربستان سعودی از مسعود شیر پنجشیر می سازد و آنقدر به کمك او همت می نماید که همه را بدُرد.

درین مقطع،فاز جدیدی آغاز می شود، کسانی که دیروز به هیچ انگاشته می شد، مرکزیت سیاسی افغانستان را عملاً در دست گرفته اند. دیگر رقابت ها، قالب های مذهبی را شکسته، در قالب های نوینی وارد شده است.

این جاست که نفوذ ایران با چشم اندازی پیروزی کمونیست های سنتی در روسیه، آمریکا را نگران می سازد. به نظر می رسد آمریکا مجبور شده است که خود مستقیماً وارد صحنهء سیاسی افغانستان شود و این حالت دور تازه ای از رقابت ها را گوش زد می نماید.

آنچه که مربوط به عوامل داخلی قضیه می شود، مقصر اصلی این وضعیت مسعود-ربانی است که بدون در نظر گرفتن مصالح ملك و مملکت، شیوه ای را در پیش گرفتند که سرانجامی جز همین وضعیت را در پی نداشت. اینان بودند که با در پیشگیری شیوهء انحصار، سنت وابستگی سیاست افغانستان به رقابت های بین المللی را دوباره تکرار کردند و نگذاشتند که در کشور ما یك سیاست ملی بحرکت در آمده، در میان رقابت ها، موازنه مثبت را به وجود آورد.

حالا این وظیفهء افغانهاست که با تفاهم بین الافغانی نگذارند این رقابت به خشونت گراییده، دور تازه ای از خونریزی را در کشور باعث گردد.

رهبران سیاسی باید با عمل سیاسی معقول خود، به همه، این اطمینان را بدهند که افغانستان آینده،نقطهء تفاهم و پول دوستی همه کشورها خواهد بود. وهرگز افغانستان به نفع یك و به ضرر دیگری وارد صحنه نخواهد گردید. تنها در این صورت است که ما افغانستان مستقل، سربلند و رو به انکشاف خواهیم داشت.

از جامعه

آیا تلاش های جاری به صلح خواهد انجامید ؟

قسمت دوم

۳- اغفال جبهات مقاومت .

سیاست های تاکتیکی اداره‌ء کابل در این بعد ، خالی بودن وپوچ بودن ماهیت حاکمیت کنونی را از ایمان به سر نوشت وآرمانهای مردم افغانستان بیان می دارد ونشان می دهد که این رژیم هیچ ضابطه‌ء روشنی در ابعاد حرکت سیاسی اجتماعی خود ندارد وهیچ نزاکت اخلاقی را در بر خورد های سیاسی اجتماعی خود نمی شناسد.مانند غریقی می ماند که برای نجات به هرخس وخاشاك چنگ می زند.

جنگهای متعددی که در غرب کابل بین حزب وحدت واداره‌ء کابل به وقوع پیوست ، پیش در آمد بیشتر آن جنگها مذاکرات اغفال کننده‌ء اداره‌ء ربانی بوده است. مورد زیر، یکی از آن نمونه ها است که در راستای تثبیت حاکمیت انحصاری به کار رفته است.

« ... دراین وقتی که رهبران (برای مذاکره) در جلال آباد رفتند ، جناب آقای مسعود ... از آنجا (شمالی) فرمان صادر کرده برای قومندانان اتحاد وقومندانان شورای نظار که تامن از شمالی بر می گردم ، شما منطقه‌ء حزب وحدت اسلامی را از غرب کابل پاکسازی کنید ... طبق دستور آقای مسعود در غرب کابل به سرپرستی حاجی شیر علم قومندان اتحاد اسلامی، صدتا قومندان جمع شدند برای برنامه ریزی جنگ با شما ، فرمان آقای مسعود را هم در این جلسه خواندند. از صد تا قومندان همه موافق بودند. یك قومندان از اتحاد اسلامی مخالفت کرده می گوید: رهبران جمع شده در جلال آباد ومی خواهند حکومت جدید را تشکیل بدهند مفهومی ندارد که جنگ بکنیم. امروز جلسه به نتیجه نرسید، گفتند جلسه‌ء بعدی « ۱ » در جلسه بعدی بدون حضور آن قومندان مخالف، تصمیم جنگ علیه حزب وحدت گرفته می شود.

جنگ های اداره‌ء کابل در هزارجات بیشتر از این نوع سیاست مایه می گیرد. جنگهای اخیر در جبهات شیخ علی، تشنج آفرینی در هزارجات در حالی انجام می گیرد که بعد از برقراری آتش بس، هیئت های اداره‌ء کابل یکی پس از دیگر جهت گفتگو ومذاکره ورسیدن به تفاهم در بامیان فرود می آیند. هلیکوپتر نظامی حاکمیت کابل در زمانی در هزارجات با آتش مدافعان آن سرزمین سقوط می کند که اداره‌ء کابل برای آتش بس وعدم ایجاد تنش در هزارجات تعهد سپرده وهیئت های آن جهت ایجاد پل آشتی ودوستی در حال رفت وآمد در بامیان اند .

هرچند مدافعان هزارجات در طول جنگها نشان داده اند که آنها هوشیارتر وبیدار تر از آنند که پالیسی های اغفالگرانه‌ء حاکمان کابل بتواند آن ها را ضربه پذیر نموده وتهاجم آنان را کار ساز نماید، ولی آنچه که قابل توجه است این است که اعمال پالیسی های فریب وتزویر، صداقت ودیانت اداره‌ء کابل را در مذاکرات زیر سوال برده وانجام مذاکره ونتایج حاصله از آن را غیر قابل اعتماد می نماید.

٤- تنفس و بازسازی ماشین جنگی.

اهداف وآرمان های انحصار طلبانه، سیاست واستراتیژی را می طلبد که پیروزی آن را مقدور وممکن سازد. استراتیژی جنگ وحذف دیگران از صحنه‌ء سیاست یگانه استراتیژی است که اهداف انحصاری را به سوی پیروزی وموفقیت نزدیك می نماید .

هدف وماهیت حاکمیت در کابل بر همگان هویدا وروشن است. زیرینا واساس حاکمیت‌را عنصر انحصار قدرت سیاسی نظامی تشکیل می دهد . مبرهن است که اینگونه حاکمیت ها که هیچ جایگاهی برای حضور مردم در حاکمیت قائل نیست، به هیچ وجه پذیرش مردمی ندارد، بویژه آنگاه که خود آگاهی سیاسی توجه هر فرد از افراد ملت را به سرنوشت سیاسی اجتماعی شان معطوف کرده باشد .

محصول چهارده سال جنگ سیاسی نظامی ، علاوه بر استقلال کشور ، ارمغان دو سرمایه عظیم برای ملت بود: یکی خود آگاهی سیاسی ودیگری غرور وشخصیت ملی.

خود آگاهی سیاسی باعث می شود که هر فردی از افراد ملت نسبت به سرنوشت سیاسی اجتماعی خود حساس شده وبه میدان سیاست قدم گذارد. برای مردم آگاه ، عدالت سیاسی اجتماعی یگانه آرمان سیاسی اجتماعی است، فصل آگاهی مرگ بی عدالتی ها و نابرابری ها را در بر دارد از خصیصه‌ء جوامع آگاه درك منافع سیاسی اجتماعی وموضع در قبال آن است .

شخصیت وغرور ملی، روحیه‌ء تسلیم ناپذیری وعدم پذیرش حاکمیت سلطه سالارانه و بالاخره مقاومت در برابر آن را به بار می رساند . احساس شخصیت وغرور هرگز با سلطه های اسارت آور، سازش وآشتی ندارد.

حاکمیت نوپا در کابل تشنه‌ء قدرت وحکومت انحصاری است . این حالت روانی اورا به گسترش سلطه در سطح کشور وا می دارد. در مقابل، خود آگاهی سیاسی وغرور ملی، ملت را به اخذ موضع در برابر گسترش حاکمیت می کشاند. جنگ از همین جا نشأت می گیرد. ملت به جرم خود آگاهی قربانی سیاست انحصاری اداره‌ء کابل می شود وحاکمان که تشنه گان قدرت اند، جهت حفظ قدرت واستمرار حاکمیت از مردم قربانی های بی شمار می گیرد. در چنین شرایطی استراتیژی جنگی یگانه وسیله ای است که راه را برای پیروزی ونیل به اهداف هموار می نماید. ماشین جنگی باید آن قدر فعال شود که هر گونه تحرك را در جهت برچیدن بساط حاکمیت از ملت سلب نماید. نیروهای نظامی باید آن قدر بکشند که سیل خون راه بیفتد تا ملت مرعوب شده سر تسلیم فرو نهد ، خصومت ها وتضادهای اجتماعی باید آنچنان تشدید شود که سربازان در اوج کینه های غیر انسانی تا سرحد تشنه بخون، هار شوند . کنیه ها باید آنچنان گدازان شود که ریزش خون هزاران انسان هم نتواند آن را اطفاء نماید . پیام ربانی ومسعود در بستر تقریبا چهار سال حکومت، جز جنگ، قتل عام، کشتارهای دسته جمعی، چپاول وغارت سیستماتیك، چه می تواند باشد .

آری نیروهای نظامی مسعود همیشه در حال جنگ اند، می کشند وکشته می شوند . جنگ به تنها وسیله ای برای حفظ بقا تبدیل شده ، دولت کابل برای حفظ انحصاری قدرت دولتی در چهارچوب شورای نظار تأکید می کند وحاضر است از این امتیاز تا سرحد قربانی نمودن تمام ملت وخاکستر ساختن وجب وجب این سرزمین دفاع نماید .

سیاست انحصاری اداره‌ء کابل را در موقف درگیری های خونین وخصومت با سه ملیت بزرگ کشانده است. درگیری همیشگی، مداوم وفراگیر برای هر نیروی جنگی هرچند قوی ونیرومندهم باشد نفس گیر وخستگی آفرین است. طبیعی است که حاکمیت بریده از مردم آن قدر نیروی انسانی در اختیار ندارد که بتواند نیازمندی های شبانه روزی جبهه وجنگ فراگیر را پاسخ گوید. تکیه گاه حاکمیت، جنگجویان تشنه بخون برادر وسربازان اجیری است که درازای بهای اند که جان خود را در اختیار حاکمیت قرار داده اند. این مجموعه هر چند مصمم باشند ، نمی توانند از عهده‌ء اداره‌ء شبانه روزی وپیگیر جنگهای وسیعی که در برابر مردم در هرگوشه‌ء از کشور سازمان می یابد، بر آیند. در جنگهای مداوم وفراگیر، سربازان وماشین جنگی حتی مجال تنفس وبازسازی هم ندارند، در حالیکه استراحت، تنفس

محصول چهارده سال جنگ سیاسی نظامی ، علاوه بر استقلال کشور ، ارمغان دو سرمایه عظیم برای ملت بود: یکی خود آگاهی سیاسی ودیگری غرور وشخصیت ملی.
خود آگاهی سیاسی باعث می شود که هر فردی از افراد ملت نسبت به سرنوشت سیاسی اجتماعی خود حساس شده وبه میدان سیاست قدم گذارد. برای مردم آگاه ، عدالت سیاسی اجتماعی یگانه آرمان سیاسی اجتماعی است، فصل آگاهی مرگ بی عدالتی ها و نابرابری ها را در بر دارد از خصیصه‌ء جوامع آگاه درك منافع سیاسی اجتماعی وموضع در قبال آن است .
شخصیت وغرور ملی، روحیه‌ء تسلیم ناپذیری وعدم پذیرش حاکمیت سلطه سالارانه و بالاخره مقاومت در برابر آن را به بار می رساند . احساس شخصیت وغرور هرگز با سلطه های اسارت آور، سازش وآشتی ندارد.

وبازسازی یکی از ضرورت های مبرم جنگی است. ادامه‌ء این جریان ، به فرسودگی، پوسیدگی و ایزولگی نیروهای نظامی می انجامد وحاکمیت را در سراشیبی سقوط می کشاند از همین جا است که اداره‌ء کابل ضرورت آتش بس واعلام آمادگی برای هرنوع مذاکره را احساس می نماید. بخشی از سیاست های تاکتیکی زمامداران حکومت کابل در راه اندازی وفعال کردن دیپلماسی مذاکره واعزام هیئت در نقاط مختلف کشور وعده های خوش وشیرین وضد ونقیض در محور همین منظور (تنفس وباز سازی ماشین جنگی وآماده شدن برای جنگ خشن تر) دور می زند؛ زیرا هنگامی که جنگ به تنها وسیله ای برای حفظ بقا تبدیل شود، صرفاً دشمنی محور بوده ودوستی وگرایشات دوستی آن هم بعداز چند مدت مرگ آفرینی وقتل عام، صرف برای تقویت دشمنی است .

بعنوان مثال: هیئت ربانی به سرپرستی آقای سیاف، در جلال آباد با سران احزاب مخالف، به گفتگو ومذاکره می پردازد، در این مذاکرات پست ریاست جمهوری ، صدارت، وزارت دفاع، وزارت خارجه ووزارت مالیه‌ء افغانستان، به مثابه‌ء محور گفتگوها در مذاکرات مطرح می شود. پست ریاست جمهوری را آقای سیاف برای مولوی خالص پیشنهاد می نماید ، عین چنین پیشنهاد را آقای سیاف بصورت سری وهمزمان، برای آقای مولوی نبی وگیلانی مطرح می کند. در مورد پست های دیگر نیز هیئت های حاکمیت حامل چنین پیام های ضد ونقیض ودوگانه در لغمان، هزارجات وشمال، بوده اند .

این پیشنهادها که طبیعتا برای برخی از رهبران دل نشین وجذاب است ، برای مدتی مؤثر خواهد افتاد، اختلالاتی را در صف مقاومت ضد رژیم ایجاد خواهد کرد واذهان رهبران مخالف اداره‌ء کابل را از ایجاد همبستگی واتحاد مواضع فارغ خواهد کرد، تا آن لحظه که دروغها آشکار شود ونقابها از رخ پایین افتد. اداره‌ء کابل به خوبی می داند که به زودی از چهره‌ء این نوع سیاست، پرده خواهد افتاد وبه افتضاح او منجر خواهد گشت، ولی چیزی که برای او ارزش طلایی دارد، فرصت زمانی است که در سایه‌ء این نوع سیاست کمایی کرده است. بستر زمان هر چند کوتاه وزود گذر باشد، در امور سیاسی ونظامی نقش طلایی دارد، اداره‌ء ربانی می خواهد با استفاده از این فرصت لیلة القدری، پایه های حاکمیت را استحکام بخشیده ، سنگرهای دفاعی را نفوذ نا پذیر نموده وماشین جنگی خود را باز سازی نماید، تا برای او امکان هر گونه دفاع از حاکمیت واستمرار آن میسر گردد .

مبرهن است که اتخاذ این نوع سیاست هر چند از مرگ حاکمیت برای چند روز جلوگیری می نماید وحاکمیت را استمرار می بخشد ولی این جریان نه تنها به حل بحران افغانستان کمك نمی نماید بلکه عدم صداقت ودیانت اداره‌ء ربانی را به منصه‌ء ظهور رسانده وفقدان اعتماد واعتبار را در سطح کل مذاکرات شدت می بخشد، این امر حد اقل برای رژیم کابل یك فضای بسیار نامناسب اجتماعی وسیاسی را ایجاد خواهد کرد.

این نوع رفتار نه تنها ثبات حاکمیت را در پی ندارد، بلکه باعث بی اعتباری مطلق حزب وجمعیت در شرایط حاضر وآینده خواهد گردید. کارنامه‌ء سیاسی اداره‌ء کابل در مورد دیپلماسی مذاکره وگفتگو، هر گونه ایمان، صداقت واعتبار را سلب نموده وهیچ اطمینانی برای ادامه‌ء مذاکرات در فضای سالم سیاسی باقی نگذاشته است.

آیا همگرایی و نزدیکی دو خصم دیرین حکمتیار وربانی، نشانگر تحول عظیم در اندیشه‌ء سیاسی و یك نقطه‌ء روشن در کارنامه‌ء سیاسی اداره‌ء کابل نیست؟کارنامه‌ء سیاه گذشته حاکمیت کابل جسارت هرگونه قضاوت مثبت را از ناظران سیاسی می گیرد، بخصوص آن گاه که تضاد گفتاری در بیان نوع تفاهم، جلوه گر می شود، آقای حکمتیار آن را همبستگی حزب وجمعیت می پندارد، ولی اداره‌ء کابل این تفاهم را تفاهم حزب با دولت کابل تلقی می کند که هضم وجذب حزب اسلامی را در اداره‌ء کابل نشان می دهد .

بهرحال یك تجربه ویك آزمون تاریخی در حال انجام شدن است، احتمال شکست این آزمون وقربانی شدن آقای حکمتیار وحزب او در این آزمونگاه، همچنان خاطرها واذهان را به خود مشغول می کند. این به عهده‌ء سیاست گذاران اداره‌ء کابل است که باید صداقت خویش را در این آزمون تاریخی به نمایش گذاشته ونشان دهند که چقدر از فضای انقباض وانحصار سیاسی فاصله گرفته وبه اندیشه‌ء انبساط سیاسی وایجاد حکومت بر قاعده‌ء

ص ٤

نیم نگاهی به توافق انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی با ربانی

معاهدهء چند ماده ای ماهیپر که پس از مدتها گفتگو و مذاکره سر انجام به امضای ربانی و آقای حکمتیار رسید و با ورود نیروهای نظامی حزب اسلامی در کابل اولین گام در جهت تطبیق این معاهده برداشته شد، دومین مرحلهء تطبیق این معاهده باورود آقای حکمتیار در کابل و ادای مراسم تحلیف به مناسبت احراز مقام صدارت عظمی در شام روز چهارشنبه به تاریخ ۷۵/٤/٦، آغاز می گردد .تاریخ سیاسی افغانستان معاهدات بی شماری را همراه با سوگند نامه های محکم و آهنین در طول چهارسال اخیر در حافظه دارد، ولی ویژگی معاهدهء ماهیپر در این است که اولین گامهای عملی در راستای تحقق و عینیت بخشیدن به ان برداشته شده و بر خلاف سایر معاهدات که قبل از خشکیدن رنگ قلم در صفحهء کاغذ، نقض پیمان، آغازین اقدام عملی بود، نشانه های آشکاری که حاکی از نقض این معاهده باشد تا هنوز به چشم نمی خورد.

ظواهر چنین نشان می دهد که ادارهء کابل با امضای این معاهده، اولین گام را در جهت شکستن رکود سیاسي حاکم بر سیاست های خود برداشته، و تلاش دارد که اداره انحصاری خود را از انزوای مطلق سیاسی خارج نموده از طریق کنار گذاشتن مصلحتی خصومت های دیرین با حزب اسلامی که ارمغانی جز قتل هزاران انسان مظلوم و بی گناه، ویرانی کابل. مرگ باورها و ارزشهای دینی و ... نداشت برای خود منفعت سیاسی کمایی نماید.

همچنین حزب اسلامی با تن دادن به این توفق مشکلات این حزب را با ادارهء کابل رفع نموده و به خواستهای مورد نظر خود دست یافته است.

ولی سوال این است که آیا این حرکت جدید سیاسی که ثمرهء شیرین اقدامات و دیپلماسی فعال باصطلاح صلح طلبانهء ادارهء کابل تلقی می گردد گامی به سوی صلح و روزنه ای به سوی قطع جنگ در کشور است یا ائتلافی است که نه بخاطر صلح که به خاطر تشدید جنگ، ترمیم و جبران ضعفهای دو حزب، تقویت سنگرها و نیرومند کردن ماشین جنگی جهت مقابله با نیروهای نظامی رقیب بوجود آمده است؟

آیا در اندیشهء سیاسی ادارهء کابل تحول پدید آمده و این حاکمیت در سیاست های انحصار طلبانهء خود که مبتنی بر تبعیض قومی و تشدید خصومت های نژادی بود، تجدید نظر نموده و به سوی فضای باز سیاسی وتشکیل حکومت بر قاعدهء وسیع اجتماعی گام نهاده است، یا اینکه معاهدهء ماهیپر دامی است که در جهت ضربه زدن به حزب اسلامی و برداشتن این حزب از عرصه های سیاسی و نظامی افغانستان کار گذاشته شده است؟

متأسفانه کارنامهء سیاسی حاکمیت چهارساله ربانی و مسعود آنچنان تاریک و مبهم است که جسارت هرگونه قضاوت مثبت را از ناظران سیاسی گرفته و هیچ نقطهء روشنی و روزنهء امیدی در آن به چشم نمی خورد. مردم ما بویژه شهریان کابل که چهار سال تمام قربانی سیاست های غیر انسانی ادارهء کابل بوده اند، تا هنوز با دیدهء شك و تردید به سوی این پدیده نگریسته و هیچ دورنمای روشنی و هیچ گونه تضمینی برای عملی شدن کامل این معاهده نمی نگرند. سوالی که همگان در جستجوی پاسخ آن هستند این است که ایا این معاهده جنبهء تحقق خواهد گرفت؟ ایا این معاهده در آتش قدرت طلبی های مسعود نخواهد سوخت؟ و برفرض تحقق آن آیا به قطع جنگ و راکت اندازی های مرگ بار کمك خواهد کرد؟ آیا این پروسه آبستن طوفان های مرگ بار و مرگ آفرین دیگری نخواهد بود؟

گفته می شود که بر اساس معاهدهء ماهیپر، وزارت دفاع به حزب اسلامی سپرده می شود، ولی قرائن و نشانه ها حاکیست که مسعود برای کنار رفتن از این موقعیت محوری و سپردن ادارهء وزارت دفاع به حزب اسلامی چندان تمایل و علاقه نشان نمی دهد. منابع نزدیك به قاضی حسین احمد گفته است که مسعود از پذیرش پست وزارت خارجه ابا ورزیده و اظهار داشته است که نمی خواهد در امور دولتی و تشکیلات حکومتی. سهم بگیرد. موضع منفی فوق به خوبی نشان می دهد که آقای مسعود نسبت به معاهدهء ماهیپر با دید منفی نگریسته و نمی خواهد کلید قدرت را از کف بدهد.

هرچند مطبوعات حزب اسلامی این حرکت نو ظهور را فتح المبین خوانده، برای مردم و رهبران شادباش گفته وحاکمیت صلح را در کشور در سایهء این حرکت ضمانت شده تلقی کرده اند، هم چنین آقای حکمتیار اظهار امیدواری کرده است که احزاب شورای هماهنگی نیز در این پروسه شرکت فرمایند، ولی این امر به عهدهء آقای ربانی و مسعود است که عملاً اثبات نمایند که در جستجوی تحول در حاکمیت به نفع حضور وسیع مردم درحاکمیت اند؛ زیرا عامل اصلی بحران، استمرار و گسترش آن در کشور، عنصر انحصار قدرت، تأکید و پافشاری بر حاکمیت انحصاری تا سرحد قتل عام و حذف دیگران از عرصهء حاکمیت توسط آقایان ربانی و مسعود است. و تا این عامل حضور خود را در فضای سیاست افغانستان حفظ نماید، بحران همچنان باقی است.

اما ناظران سیاسی معتقدند که عامل بحران همچنان وجود دارد و پیش بینی می نمایند که وزارت دفاع اولین وزارتی خواهد بود که اتحاد امضاء شده را جریحه دار خواهد ساخت. وزارت دفاع در طول چهار سال توسط شورای نظار و به سرپرستی مسعود، تحت یك سیستم خاص انحصاری و تك حزبی اداره شده و نقش ستون فقرات را برای انحصار قدرت و استمرار حاکمیت انحصاری ایفا کرده است. هرچند در طول سه سال، ظواهر، برکناری مسعود را از وزارت دفاع منعکس می کرد ولی در واقعیت امر آقای مسعود همچنان وزارت دفاع را تحت کنترول داشته و محور اصلی قدرت و حاکمیت در کابل به حساب می رفته است. فعلاً مسعود عضو شورای عالی دولت و رئیس اجرائی تشکیلات حزب جمعیت اسلامی است ولی در حقیقت خارج از چوکات جمعیت اسلامی بر کلیه امور دولتی، حکومتی، نظامی و سیاسی نظارت تام داشته و کلید انحصار قدرت را در اختیار دارد. با این حال آیا آقای مسعود حاضر خواهد شد که از مرکزیت قدرت خارج شده واین موقعیت را به دیگران بسپارد و یا به نحو مشترك حفظ و اداره نماید؟

گفته می شود که بر اساس معاهدهء ماهیپر، وزارت دفاع به حزب اسلامی سپرده می شود، ولی قرائن و نشانه ها حاکیست که مسعود برای کنار رفتن از این موقعیت محوری و سپردن ادارهء وزارت دفاع به حزب اسلامی چندان تمایل و علاقه نشان نمی دهد. منابع نزدیك به قاضی حسین احمد گفته است که مسعود از پذیرش پست وزارت خارجه ابا ورزیده و اظهار داشته است که نمی خواهد در امور دولتی و تشکیلات حکومتی. سهم بگیرد. موضع منفی فوق به خوبی نشان می دهد که آقای مسعود نسبت به معاهدهء ماهیپر با دید منفی نگریسته و نمی خواهد کلید قدرت را از کف بدهد. عدم همکاری مسعود با حکمتیار با توجه به اینکه مسعود در صدد ساختن اردوی شخصی در پروان است، دورنمای این معاهده و برقراری صلح در کشو را گنگ و تاریك می نماید.

بهرحال اگر آقای حکمتیار از این آزمون تاریخی سرخروی بدر آید و به جلب رضایت آقای مسعود و شرکت او در سیستم اداری دولت موفق شود، مهمترین رسالتی را .که آقای حکمتیار در پیش دارد، چنانکه خود اظهار داشته است، تغییر حاکمیت به سوی یك نهاد فراگیر و تشکیل حکومت بر قاعدهء وسیع مردمی است.به نظر می رسد که آقای حکمتیار شانس خوبتری نسبت به آقای ربانی برآی موفقیت در این زمینه را دارد؛ زیرا برخورد های دوگانه و ضد و نقیض آقای ربانی در مذاکرات، صداقت و دیانت وی را زیر سوال برده و انجام هرگونه مذاکره باوی و نتائج حاصله از آن را غیر قابل اعتماد نموده است.

برداشتن این گام و موفقیت در انجام این رسالت، برای آقای حکمتیار و حزب او حیاتی و تعیین کننده است؛ زیرا اگر آقای حکمتیار در اولین گامی که برمی دارد به شکست مواجه شود و به جذب گروههای مخالف وحضور آنان در حاکمیت موفق نشود، او مجبور است که به تنهایی یا به همکاری آقای مسعود، هزینه سنگین جنگ و سیع و فراگیر را در مقابله با موج تنفر و انزجار مردم و حملات نظامی طالبان و سایر گروههای مخالف بپردازد و بدین ترتیب سپر بلای مسعود گشته و به جای اینکه تماشا گر باشد بعنوان بازی گر اصلی صحنه که بدون شك بازنده خواهد بود، نقش ایفا نماید.

آیا تلاشهای جاری به صلح ...

وسیع اجتماعی باورمند شده اند. زمان در گذر است وتحولات در پیش رو .

به نظر می رسد که صلح هنگامی در افغانستان ضمانت وجود وبقا پیدا می کند که رهبران احزاب به جای تخاصم، منطق تفاهم وبه جای گریز از همدیگر سیاست همگرایی ملی را در پیش گیرند، جزم اندیشی های قومی، گروهی و قبیله ای، جای خود را به پذیرش همگانی وتحمل انقلابی بسپارد. همگان بی تاب صلح اند وپیام آور آن،ولی هریك صلح را در حاکمیت خود و حذف دیگران از عرصهء سیاست جستجو می نمایده تا در اندیشه ها تحول بوجود نیاید وهمگان به این باور نرسند که صلح ارمغان تفاهم وتوافق همه اطراف روی ساختار سیاسی کشور است، وپذیرش وتحمل یکدیگر، یگانه روزنهء توافق، برقراری صلح رویای بیش نخواهد بود.

ما معتقدیم که اساس حل بحران کشور، حاکمیت اصل عدالت سیاسی اجتماعی است. نظام عادلانه سیاسی اجتماعی محور آرمان خلقهای کشور است. اساس وزیربنای بحران وخصومت فعلی فقدان عدالت سیاسی اجتماعی وانحصار حاکمیت در دست یك قوم است. تا زمانی که سیستم حاکمیت انحصاری جای خود را ظام عادلانهء سیاسی نسپارد ومحور مذاکرات وگفتگوهای سـ سی ومبنای تفاهم ، ایجاد نظام اسلامی بر قاعدهء وسیع عدالت سیاسی اجتماعی نباشد ، هرگز بحران اجتماعی کشـ نقطهء پایانی نخواهد داشت .

منبع: ۱- سخنان رهبر شهید، احیاء هویت، ص ۱۰۱، ۱۰۲.

خواهر فایزه فلاح عضو شورای مرکزی ح.و.ا.ا در مصاحبه با راپورتر کمیتهء فرهنگی :

بدبختانه در طول تاریخ سنت ها و خرافات زیادی در قالب مذهب در آمده، باعث ناروائی های در حق زنان شده است

خواهر محترمه فایزه فلاح یکی از خواهرانیست که جدیداً به عضویت شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان، پذیرفته شده است و اخیراً به بامیان آمده، با استاد خلیلی دبیر کل ح.و.ا.ا و سایر مسؤلین حزب ملاقات هایی داشته است. پس ازین ملاقات ها خبرنگار مربوط کمیته فرهنگی باوی مصاحبه کوتاهی داشته است که اینك متن آن تقدیم حضور خوانندگان عزیز می گردد.

خبرنگار: محترم فایزه فلاح! ضمن عرض خیر مقدم خواهشمندیم بفرمائید ازاینکه در شورای مرکزی پذیرفته شده اید چه احساسی دارید؟

خواهر محترمه فلاح: بنام خدا و با عرض سلام و درود فراوان به ارواح طیبهء شهدای گلگون کفن ملت مخصوصاً روح ملکوتی استاد شهید و با تشکر از شما برادران پر تلاش کمیتهء فرهنگی که از طریق دین و فرهنگ در خدمت مردم خود قرار دارید.در جواب سؤال شما باید بگویم شاید شما در جریان باشید، پیش از اینکه من به عضویت شورای مرکزی پذیرفته شوم در خدمت مردم قرار داشتم و در دانشگاه بلخ خدمت محصلین و نسل جوان بوده ام و یك سلسله فعالیت های دیگر در بخش های فرهنگی و سیاسی هم داشته ام ولی بعد از اینکه عضویت شورای مرکزی را بدست آوردم مسؤلیتم دو چندان شده و بارسنگینی را بر شانه های خود احساس می کنم.

چون وظیفهء که بما سپرده می شود مسؤولیتی است که اگر قادر باشیم به وجه احسن انجام دهیم سعادت است برای ما و ما به شما و به تمام مسؤولین محترم ح.و.ا.ا این وعده را می دهیم که تا آخرین حد توان صادقانه برای مردم خود خدمت کنیم.

خبرنگار: از آنجائیکه شما در بخش خواهران فعالیت های داشته

(دمهء)

شعر و ادب

غربت «بیدل» و شهرت حافظ

یکی از خصوصیات بارز و برجستهء هر هنري مردمی بودن آنست! که باید، همخوانی و هماهنگی با فکر و فرهنگ یك جامعه و مردم، داشته، آینهء تمام نمای آرزوها، آرمانها اندیشه ها .احساس ها و نیاز های یك مردم بوده زبان گویا و صدای رسای یك مردم باشد. شعر نیز، به عنوان یکی از بر ترین و بهترین هنری که بشر، برای ابراز احساسات و خیالات، اظهار تمایل و تنفر و اعلان عشق و خشم خویش، ابداع نموده، در خدمت اندیشه و بیان، استخدام کرده و برگزیده است، باید ازین امتیاز بزرگ و با اهمیت، بر خوردار باشد! تا بتواند در زهن ها و زبانهای مردم، جایگاه و جلال خودش را، داشته، مورد استقبال قرار گیرد! خورشید شود و در تاریکی های تاریخ وظلمت های زمانه، بدرخشد! زنده و سوزنده باشد، زندگی و سازندگی بیافریند! و نام و یاد و اندیشهء شاعر را، نیز زنده و رزمنده، در قلب اعصار و قرون، جاودانه، نگهدارد!

چه بسا، شاعرانی، که بیش از چند بیت شعر نگفته اند و دیوانی هم تدوین نکرده اند، اما در دل تاریخ شعر و تارك ادبیات جهان، میدرخشند!

و چه بسیارند، کسانی که شعر ها سروده، دفتر ها، پرکرده و دیوانی هم از خود بر جا گذاشته اند،

اما متاسفانه، هنوز در عالم شعر و دنیای ادب، ناشناخته مانده، نامی از آنها نیست! و با رفتن خود شان، اشعار، دیوان شان نیز، کم کم، از میان مردم، رفته و فراموش گشته است!

کهکشان بلند شعر فارسی نیز، پر از ستار گانیست که، هر کدام ، در مدار و منظومهء مخصوص خود، موقعیت و منزلت خاص دارند. هر کدام در یك افقی میدرخشند! و در یك جان و جهانی. شور می آفرینند وشعور می بخشند! و هر کدام که نزدیکتر به سر زمین زندگی، زهن، زبان و اندیشهء مردم بوده است، رخشنده تر، تابنده تر و آشناتر، بوده روشنگر راه، کیمیا گر وجود، صفا بخش روح، بیدار گر وجدان، شکوفا گر عشق و آیینه دار عرفان مردم، بوده است!

دیوان «بیدل» و «حافظ» هردو شعر اند، وهمچون خورشید، بر آسمان بلند اشعار رنگا رنگ و خوش آهنگ فارسی، می درخشند و سهم بزرگ وشایسته ای، در غنا بخشیدن به فرهنگ و ادبیات گران سنگ فارسی، داشته اند! اما در عین حال: درمیان این دو، فرق بی شمار! اشعار بیدل ، هنوز آنطوری که باید، نتوانسته است، درجامعه فارسی ومردم فارسی زبان، جاي خودش را، باز کند، مطرح باشد، بر زبان ها، تکرار شود، برشاخسار اندیشه ها، بشکفد وتا عمق دلها وژرفاي جان ها، نفوذ کند ! جز عده ای خاص، حتمی تعدادی از مردم فارسی، هنوز شاید «بیدل»، نام این شاعر بزرگ و غریب را، نشنیده و دیوانش را نیز ندیده و نخوانده اند!

اشعار «بیدل»، در عمر طولانی خویش، بجای رخنه در دلها، تکیه زدن بربال اندیشه ها و حلول در جانها و روانها، همچنان، در دل دیوان قطور وضخیمش، محبوس و خاموش، در قفسهء کتابخانه ها، به خواب دیر پای غربتش، ادامه میدهد. تا روزی و روزگاری، جامعه و مردم به مرحله ای برسند، که هر کدام بیدل شوند و بسراغش بروند، یا بیدل دیگری، در هر عصر و نسلی بیاید وبرای مردم تفسیر و تشریحش کند!

اما اشعار«حافظ»، آشناتر و شیرین تر از نام «حافظ»، در جامعهء فارسی می درخشد! در بهار اندیشه ها، شکوفه های شوق، می روياند و در دریای دلها، طوفان عشق، می زاید!

دیوان «حافظ» در طاق هر خانه ای، در رواق هر کلبه ای و دردل هر ویرانه ای، جا دارد!

از قصر شاهان، تا کلبه های فقیران! از کاخ های مجلل و رنگین امیران، تا کوخ های فر سوده و گلین دهقانان! از ویلا های سر به آسمان زر اندوزان، تا حلبی آباد های محقر بینوایان! و از پیشرفته ترین، دانشگاه های شهر ها، تا قدیمی ترین مکتبخانه های روستاها! دیوان «حافظ»، حضور شور انگیز داشته وآهنگ دلنشین و دیر پای شعرش، در شهر و ده، در خانه و میخانه. در مزرعه و کار خانه، در سرور و سو گواری، در سفر و حضر، در مسجد و سنگر، در دریا و صحرا، در گلشن و گلخن و در دیار و کوهسار و...، در گوش جانها و دلها، طنین انداز است! سلطان و پاسبان، دهقان و شبان، شهری و روستائی، خاص و عام، باسواد و بیسواد، زن ومرد، پیر و جوان، کودك و بزرگ، شاد و غمناك زندانی و آزاد، عاشق و معشوق، عارف و سالك، همه و همه، بابند بند آن، آشنا بوده و با خود، زمزمه می کنند و حرف های دل، راز های درون و اسرار نهان خویش را، از بیت بیت و حرف حرف و واژه واژه آن، به استخاره می نشینند.

راز غربت «بیدل» و اشعارش، و شهرت «حافظ» و اشعارش، در زبان و بیان آنها، نهفته است!

زبان «بیدل» زبان خاص خود «بیدل» است، و بیانش هم بیان خاص خودش! زبانی که، مردم، کمتر با آن سرو کار دارند، در اصطلاحات روز مرهء شان، ندرتاً مورد استفاده، قرار داده، و در محاورات متداولهء شان، اگثراً با آن رو به رو، نمی شوند!

«بیدل» سنگین ترین مضامین علمی و مفاهیم اجتماعی را، در قالب غریب ترین، کلمات فارسی و غلیظ ترین تعبیرات ادبی و استعارات و کنایات شعری، گنجانیده و بابیان تعقید آمیز، مطرح کرده است!

لذا، زبان «بیدل» ترجمان خاص، بیانش، مخاطبان خاص، پیامش شنوند گان خاص، اشعارش هم، خوانندگان خاص داشته و بادیوانش هم، عده ای خاص، سرو کار دارند!

همانقدر که زبان و بیان «بیدل» از مردم، فاصله دارد، نا مأنوس و بیگانه است! به همان اندازه، اشعارش، دیوانش، و خودش نیز، در میان مردم نا شناخته و بیگانه و نا آشنا مانده است! و در محاق غربت و گمنامی، به سر می برد!

ولی زبان «حافظ»، زبان مردم است، بیانش، بیان مردم و آشنای دلهای مردم است و قهراً آنچه از دل براید، بر دل خواهد نشست!

زبان«حافظ»، زبان سحر انگیز هنر است! زبان زنده، زیبا، ساده، روان، رسا، وپویا!

و شعرش نیز شعر عشق، شعر عرفان، شعر دل، شعر درد، شعر مردم!

شعر «حافظ»، صدای سخن عشق است، که در گنبد دوارد هر پژواك یاد گاری اش را، جا ودانه، ماندگار ساخته، بر آستان جانان، سرنهاده گبانگ سر بلندی، بر بام هفت آسمان، کشیده است!

شعر «حافظ» درظرف یك زمان، محدود نشده، در قالب یك قرن، نگنجیده، و در حصار یك عصر و نسل محصور نمانده است! شعر مردم، شعور مردم، شمع جمع بزم مردم، و آهنگ عشق آزین دلهای شیدای مردم بوده، در قلب همهء اعصار و قرون و در متن تاریخ و اجتماع، زنده، بالنده و برازنده، حضور سبز و جاودان دارد! و چون چلچراغ فروزان، در تاریکستانهای افسردهء روز گار، رنگین و رنگا رنگ، می تابد،

می درخشد، نشاط می بخشد، و عشق، عرفان، شور و شعور، می آفریند!

خورشیدی است که در هر آینه ای، تشعشع دارد، روشنی می دهد، و هر دلی را تابان و نور افشان کرده، از ملك تا ملکوت، حجابها را در نور دیده، بر بام عرش، صفیر عشق، سر داده، بار گران امانت بر دوش، دامن کشان، تا معراج شهرت، صعود کرده و در تماشا گه راز، لسان الغب می شود! آری:

به نسبت حسن یار خویش را، با ماه سنجیدم!
میان این و آن، فرق از زمین تا آسمان دیدم!

چه شد که قامت مردانگی به خون بنشست؟

به عرش عشق و شهادت، ستاره می سوزد!
نشان قامت سرخ «هزاره» می سوزد!
ز چشمه سار فلق، بذر تیغ می بارد!
هزار مرثیه درد و دریغ می بارد!
گلوی خامه عجب بغض لاله گون دارد!
ندانم از چه سبب، نامه، نقش خون، دارد؟
نسیم صبح، چرا سرد و دیر می آید؟
به دیده اشك غم و سر بزیر می آید؟
چه شد که بادیه، یکباره بی «ابوذر» گشت؟
چه شد که صحنه، خموش از خروش «حیدر» گشت؟
چه شد که مرغ چمن، بی قرار می گرید
خمیده بال چو ابره بهار می گرید
چه شد که دامن گل، از گلاب خون ترشد؟
بهار سبز وطن، خالی از صنوبر شد؟
چه شد که قامت مردا نگی، به خون بنشست؟
صدای صاعقه، در سینهء قرون، بشکست؟
چه شد که رنگ شفق، یکدم ارغوانی شد؟
هزار ماهء محرم، به نغمه خوانی شد؟
چه شد که باغ، سراسر سیاه، در بر کرد؟
شکوفه ها همه، شولای آه، در بر کرد؟
مگر به تیغ جفا کشته اند «اشتر» را؟
بریده اند، گلوی عقاب سنگر راه؟
که از نگاهی افق بغض ناله، می بارد
سر شك سرخ، چو گلبرگ لاله، می بارد
ز آسمان شهادت، خروش، می آید
صدای رجعت سرخی، بگوش، می اید
صدای رجعت سرخی، به کهکشان خدا
عروج مردی، زمردان مرزبان خدا
عروج مردی، که آتش سوار و تندر بود
شجاع روس شکن، قهرمان «ابوذر» بود
همان که غیرت شیر خدای، در دل داشت
همیشه در دل سنگر چو صخره منزل داشت
همان، که شعله به جان حرامیان، می زد
شرر به خر من هستی د شمنان، می زد
همان، که سینه به تیر بلا سپر می کرد
به قلب خون و خطر، بار ها سفر می کرد
همان، که در دل شب، آیهء سحر می خواند
سرود فتح، زخون نامهء ظفر، می خواند
همان که جلوهء ایثار و شمع ایمان بود
شهیر عشق و وفا، شهر یار دوران بود
همان که شعر بلند غرور بر لب داشت
سپیده وار نبرد همیشه باشب داشت
همان عقاب ، که همواره ز اسمان می گفت
شهاب بود و سخن ها ز کهکشان، می گفت
همان که صاعقه بر قلب مشرکین، میریخت
مزاب مرگ به کام منافقین، می ریخت
همان که جبهه سرافراز گامهایش بود
کلام رزم و شجاعت پر از صدایش بود
همان برادر غیرت، همان دلیر ترین!
به بیشه هاي خطر شرزه شیرین ترین!

بدبختانه در طول تاریخ ...

اید و با مشکلات آنان آشنا هستید چه پیشنهادی برای بهبود وضع زنان در افغانستان خصوصاً در هزاره جات دارید؟

خواهر فلاح: تا آنجائیکه من احساس می کنم در افغانستان ظلم بزرگی در حق مرد و زن مردم ما روا داشته شده و ناروایی ها در مجموع بوده ولی این ناروائی ها در بین زنان بیشتر دیده شده مخصوصاً در مناطق دور دست مثل هزاره جات. وقتی ما آمدیم از نزدیك دیدیم این جا را و از چند تا خواهر که در اینجا در قسمت فرهنگی فعالیت می کنند سؤال کردیم که چه تعداد تحصیل کرده را شما توانستید گرد هم جمع کنید؟ متأسفانه آنها جواب دادند که ما بعد از تلاش فراوان توانستیم در حدود پانزده نفر جمع کنیم. در یك محل بسیار بزرگ که نفوس شان چشم گیر است از یك تعداد محدود خواهران نام بردند که آنها هم چندان تحصیلات بالائی ندارند و در سطح پائین قرار دارند. این واقعاً رنج آور است. نابسامانی ها زیاد است. ولی وقت آن است که ما دست بکار بزنیم، یك عده، از خواهران ما که سواد نسبی دارند کوشش کنند که همان یاد داشتگی های خود را در اختیار خواهران خود قرار دهند و این دین است به گردن خواهران روشنفکر و درس خوانده، ما. همانطوری که امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید که خداوند از نادانان پیمان نگرفته که یاد بگیرند بلکه از دانایان پیمان گرفته است که یاد بدهند. وقتی اینان این نابرابری ها و نابسامانی های فرهنگی را می بینند، آنچه که یاد دارند باید در خدمت مردم خود قرار بدهند.

بدبختانه در طول تاریخ سنت ها و خرافات زیادی در قالب مذهب در آمده، باعث ناروائی های در حق زنان شده است. مثل اینکه زن را اجازه ندهند که از چارچوب خانه، بیرون بیایند و برای فراگیری علم آماده شوند، زن را فقط وظیفه دار کنج خانه ساختند و از حضور در اجتماع منع کردند. این در حالیست که از یکطرف چنین قلمداد می کنیم که زن ها نصف پیکر جامعه را تشکیل می دهد. چگونه نصف پیکر جامعه را تشکیل می دهند در حالیکه هیچ در آن حضور ندارند.

زن های ما بسیاری بسواد هستند. عده، بسیار کمی، سواد نسبی دارند. در طول ۲۵۰ سال حکام ظالم بر مردم ما ظلم کردند. آنها تنها منافع خود شان را مد نظر داشتند. مردم ما را در شرایطی قرار دادند که از کوچکترین چیزی که مایه پیشرفت می شود، بی بهره باشند. شما ببینید در سرزمین هزارستان ما یك مکتب دخترانه نداشتیم. نظر من این است که خواهران دست بدست هم بدهند و تلاش نمایند تایك جهاد فرهنگی راه بیندازند. الحمدلله مقداری تلاش صورت گرفته و چند تا مکتب نسوان را برای خواهران، بازکرده اند. این گام بزرگی است برای آنکه خواهران ما را گردهم جمع نمایند.

ما در سرزمین هزارستان حد اقل یك زن داکتر نداریم. تقاضایم از خواهران پر تلاش و مسؤلین حزب وحدت این است که در شرایط کنونی تلاش کنیم تا برای قوم خود خدمت کنیم و بهترین بهره برداری را از ین مقطع حساس به نفع مردم خود نماییم.

خواهر فایزه فلاح در آخر سخنان خود افزودند:

من برای اولین بار به بامیان باستان می آیم. این آرزویم بود. بسیار علاقه داشتم که مردم خود را از نزدیك ببینم. نا بسامانی ها و مشکلات آنها را از نزدیك لمس نمایم. خوشبختانه خداوند این توفیق را برایم داد. آخرین سخن من این است که همه مردم ما دست بدست هم بدهند با اخلاص و یکپارچگی تلاش نمایند تا خود را ازین بدبختی نجات دهند و بسوی ترقی و تکامل گام بردارند.

مردم کابل چه گناهی دارند...

آوری چنین زمینه ای، از طرف اداره کابل تا تسخیر چهار آسیاب، همراهی می شد،

اگر این توافق و توافق های دیگری که اداره ربانی حالا در جستجوی آن می باشد، در آن روز عملی می شد و مسعود آخرین جواب حزب وحدت اسلامی را با توپ و تانگ و بمباران هوایی وحشیانه نمی داد. طالبان هم ظهور نمی کرد و این راکت ها از کاروان صلح امیر حزب اسلامی، چنین استقبالی را به عمل نمی آورد!

حالا چه کسی این راکت ها را فیر می کند؟

چه کسی مقصر اصلی قضیه است؟

وچه کسانی باید به محکمه بین المللی سپره شود؟

به نظر می رسد مقصر کسانی می باشند که تفنگ و صدا ندارند. گناه آنان مظلومیت شان می باشد. گناه آنها بحدی می باشد که بدون سپردن به محکمه ای باید تیر باران شوند!

بلی توافقنامه ها به امضا می رسد و در اجرای آن که باید لبخند بر باغچه لبان فرزندان وطن نقش ببندد،بارانی از مرگ برفضای زندگی آنها، فرومی بارد. و این دقیقا بدین معنی است که تا رسیدن به صلح، راه درازی در پیش است. درازی راه نیز بدین دلیل که دیروز به امروز سپرده شد.

این اداره کابل است که باید به جبران اشتباهات و جنایت هایشان بپردازند و بخاطر بارش همه این راکت ها و راکت ها و بمباران های هوایی که بالای مردم غرب کابل از سوی این اداره انجام گرفت، عذر گناه خود را بطلبد.

ما عاملان حملات راکتی بالای مردم بی گناه را، تبرئه نمی کنیم اما می خواهیم بدانیم که بو جود آورنده چنین زمینه ای چه کسانی می باشد. تقابل سیاسی با گروه و خط خاصی هرگز کشتار مردم بی گناه را تجویز کرده نمی تواند ولو آنکه هدف مقدس باشد.

چرا مردم کشته شوند و یا از مردم سپر دفاعي ساخته شود؟

اگر این جنگ سالاران، مرد جنگ هستند نه خود را پشت سر مردم مخفی نمایند و نه بالای مردم بی دفاع راکت بیندازند. جنگجویان از هر دو طرف در سنگر قرار دارند. از سنگ و خاك سنگر بسازند نه از سکونتگاه مردم بی دفاع.

آخرین سخن اینکه چرا روز را نیز به فردا بگذاریم آیا این همه کشتار کافی نیست و تا هنوز درك نکرده ایم که از جنگ چیزی بدست آورده نمی توانیم؟

ما از هرگامی که صادقانه به پیش گذاشته می شود پشتیبانی می نماییم. امید است که با ورود انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی، راه تفاهم عمومی گشوده شود واز هرگونه تقابل جدیدی جلوگیری بعمل آید. (امروز)

انجنیر حکمتیار امیر حزب اسلامی ...

کابل به مردم ابلاغ نموده بود که در روز چهارشنبه تمام دوکان ها باید بسته، مردم و تمام شاگردان مکاتب به استقبال این کاروان بیایند. لکن در مقابل، گروه طالبان اختار داده بودند که مردم نباید از خانه های شان در این روز بیرون بیایند. بدنبال این اختار، روز چهار شنبه، شهر کابل زیر بارانی از راکت ها قرار گرفت، و قرار گزارش رادیو ها، بیش از صد فیر راکت، بالای مردم کابل فرود آمد و با بیش از شصت نفر در اثر فیر راکت ها جان خود را از دست دادند. گر چه طالبان به ظاهر حملات راکتی را انکار نموده و به ناراضیان داخلی اداره کابل نسبت می دهند اما در شرایط فعلی کمتر کسی می تواند این ادعا را باور نماید. البته نباید از یاد ببریم که اداره کابل نیز سابقه چنین اعمال را داشته است.

طبق راپور های واصله علی رغم این راکت باران ها، تعدادی زیادی از مردم و شاگردان مکاتب را در دو طرف سرك معبر، کاروان، آورده بودند و شاگردان مکاتب به حمایت از امیر حزب اسلامی شعار می دادند.

بنا بود که کاروان امیر حزب اسلامی، زود تر از زمانیکه رسیدند، وارد کابل گردیده، در روز روشن مراسم تحلیف بجای آورده شود. لکن راکت باران بی سابقه شهر کابل و راه ورود این کاروان، باعث تأخیر شده در شام روز چهارشنبه مراسم تحلیف بر گزار گردید،

طبق گزارش ها، در این مراسم، ربانی رئیس اداره کابل، سیاف، علاوالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، سفیر عربستان سعودی در افغانستان، نظر کیانی نماینده حزب پیپل خانم بی نظیر صدراعظم پاکستان،معاون قاضی حسین احمد، نیز حضور داشتند اما هیچ گزارش از حضور مسعود در این مراسم حکایت نمی کند. و عدم حضوروی، ممکن است موجب نگرانی در اجرای کامل توافقنامه گردد.

ما هرگز نمی خواهیم کسی را...

شان با مقام رهبری ح.و.ا.ا در موارد ذیل :

۱- استفاده از میدان هوای بامیان غرض انتقالات .

۲- بازدید از محبوسین .

۳- تبادله اسرا .

٤- فعال شدن نمایندگی جمعیت افغانی سره میاشت .

با استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، بطور تفصیلی صحبت نمودند وخواستار همکاری حزب وحدت اسلامی در زمینه های فوق خصوصا در قسمت معرفی نمودن پرسونل فعال نماینده گی جمعیت افغانی سره میاشت، گردیدند .

سپس استاد خلیلی دبیرکُل حزب وحدت اسلامی ، حضور نماینده گان صلیب سرخ جهانی را خیرمقدم گفته ، به تشریح سیاست های صلحجویانه وبشردوستانه حزب وحدت اسلامی پرداختند.

استاد خلیلی در مورد در خواست های نماینده گان صلیب سرخ جهانی فرمودند ؛

در مورد استفاده از میدان هوایی بامیان، هیچ مشکلی وجود ندارد. حزب وحدت اسلامی از هیچ نوع همکاری دریغ نمی نماید اما در قسمت بازدید از محبوسین، شما می توانید در هرزمان از زندانی های ما بازدید نموده درهر موردی که می خواهید با آنان صحبت نمایید. ما هرگز نمی خواهیم کسی را بخاطر باورهای اعتقادیش، زندانی نماییم. ما علاقه مند نیستیم که انسانها در قید وبند باشند. آزادی حق طبیعی هر فرد است. ما بسیار ناراحت هستیم که جمعی از انسانها در زندان ما بسر می برند. ولی بخاطر اینکه تعدادی از مردم مظلوم ما، بی گناه نزد دیگران، محبوس هستند، ما چاره ای نداریم تا آزادی آن ها، این اسیران را نزد خود نگهداریم

علاقه مند هستیم که انسانهای مظلوم زودتر آزاد شوند.

در مورد تبادله اسرا اگر شما این مشقت را قبول کنید ما حاضریم و هیچ نوع مشکل از طرف ما وجود ندارد. وقتی یك چنین زمینه ای فراهم شود، ما حتی یك دقیقه نمی خواهیم انسانی در زندان باشد.

این گزارش علاوه می دارد که نمایندگان صلیب سرخ جهانی پس از پایان دیدار شان با مقام رهبری حزب وحدت اسلامی به محبس بامیان رفته بدون کدام مانع و نظارتی، با محبوسین به گفتگو پرداختند.

دگر جنرال رسول پهلوان ...

رسول پهلوان به قتل رسانده شد ولی بخاطر روشن شدن موضوع، کمیسیون باصلاحیتی تحت اداره شخص رهبر جنبش ملی اسلامی محترم جنرال عبدالرشید دوستم، موظف گردید، که موضوع را تحقیق و بررسی نمایند.

وی به ارتباط هویت قاتل می گوید:

شخصی بنام صمد از ولایت فاریاب بوده ولی ارتباط او با کدام شخص و جریان، تا هنوز مجهول است و این کمیسیون مؤظف است موضوع را بررسی نماید.جنرال یوسف سخنگوی جنبش ملی اسلامی درباره اینکه جنرال رسول پهلوان با محترم جنرال دوستم رهبر جنبش اختلافات داشته و این اختلافات باعث ترور او شده باشد، گفت:

رسول پهلوان یکی از قوماندانان سرسپرده ای بود که تا آخرین قطره خون خود حاضر بود در اجرای امر محترم جنرال دوستم ثابت قدم باشد. هیچگونه اختلافی بین آنها وجود نداشت و نمی توانست وجود داشته باشد. چون آنها مشترکا جنبش ملی اسلامی را ایجاد کرده، تکامل داده بودند.سخنگوی جنبش ملی اسلامی به ارتباط تأثیر این ضایعه اسفناك روی اوضاع صفحات شمال، توضیح داد:

بدون شك شهادت برادر ما دگر جنرال رسول پهلوان، برای جنبش ملی اسلامی افغانستان، ضایعه ای جبران ناپذیر است. رسول پهلوان قهرمانی را که همیشه پیام آور فتح، شهامت و غرور بود، در کنار خود نداریم.

در ادامهء عملیات تصفیوی منطقهء پنجاب، سیاه درهء پنجاب نیز از وجود شرارت پیشه گان باند خیانت و معامله پاکسازی شد

در ادامهء عملیات تصفیوی پنجاب به سمت ورس، سیاه درهء پنجاب نیز در شب ۲/۱- ٤- ۱۳۷۵ کاملاً پاکسازی شد.

خبرگزاری وحدت اسلامی گزارش می دهد: در پی شرارتهای مزدوران باند خیانت و معامله که زندگی مردم را دچار اختلال نموده بودند، حزب وحدت اسلامی برای تأمین امنیت و آسایش عمومی مجبور گردید عملیات تصفیوی یی را آغاز و به شرارتهای این باند در پیروی از سیاست های جنگ افروزانهء مسعود-ربانی در هزاره جات، خاتمه دهد. این عملیات که ازمرکز پنجاب شروع شده بود در ادامهء خود به سمت ورس، سیاه درهء پنجاب را پاکسازی نموده، به پیتاب جوی، عملیات تصفیوی خود را آغاز کرده اند.

قرار این گزارش در آیندهء نزدیك پیتاب جوی ورس آخرین لانهء شرارت پیشگان، پاکسازی خواهد شد.

چهارده، درهء صوف ازاد و پیشروی بسوی مرکز درهء صوف ادامه دارد

در پی یك درگیری شدید، مناطق چارده درهء صوف و اطراف آن، توسط نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی پاکسازی شد.

خبرگزاری وحدت اسلامی به نقل از یك قوماندان نظامی، گزارش می دهد، درهء صوف که از سال گذشته تا کنون در دست مزدوران مردم دشمن ادارهء کابل بود، باعث آزار و اذیت اهالی منطقه و مسدود شدن راه عبور مسافرین شده بود، لهذا نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی مصمم هستند که درجهت سیاست تأمین امنیت و آسایش عمومی از سوی حزب وحدت اسلامی، به شرارتهای این افراد مزدور خاتمه داده، امنیت این مسیر را برای مسافرین تأمین نماید.

طبق این گزارش، پس از تصفیهء چهارده، پیشروی بسوی مرکز درهء صوف ادامه دارد ودرآیندهء نزدیك درهء صوف آزاد خواهد شد.

پلان کاری سال ۱۳۷٦ دانشگاه بامیان در ملاقات رئیس دانشگاه با استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت

صبح روز شنبه مورخ ۱۳۷۵/٤/۲ محترم پوهنمل داکتر کاظم تورا، رئیس دانشگاه بامیان باحضور در اقامتگاه استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی، باوی دیدار و در مورد پلان کاری سال ۱۳۷٦ دانشگاه گفتگو کردند.

قرار گزارش واصله از مرکز بامیان، در این دیدار ابتدا رئیس دانشگاه بامیان، گزارش کاری دانشگاه را تقدیم حضور مقام رهبری نموده از حسن اجرای وظایف استادان و علاقمندی محصلین به تحصیل در رشته های انتخابی شان، اطمنان خاطر داد و گفت؛ تلاش استادان و شا گردان بیش از حد می باشد. روحیه عالی برادران، آینده بسیار روشنی را در پیش روی ما قرار می دهد.

طبق این گزارش، همچنین در این دیدار پلان کاری سال ۱۳۷٦ دانشگاه بامیان، مورد بررسی قرار گرفته مقرر شد که مشکلات سال ۱۳۷٦ دانشگاه از همین حالا مورد توجه قرار گیرد. بر نامه ریزی ها باید مشخص و دقیق باشد.

هفتهء گذشته در اثر راکت باران طالبان در غرب کابل ...

این حمله راکتی که از طرف طالبان صورت گرفت ده ها تن دیگر مجروح گردیده، سلامتی خود را از دست دادند.

گزارشگر شهری ما از غرب کابل گزارش می دهد؛ این راکت ها که در روز شنبه گذشته از سوی طالبان فیر شد دو تای آن ها در لیسه محمود طرزی در حالی فرود آمدند که شاگردان مشغول درس خواندن بودند و در اثر انفجار راکت ها، بیش از هشت نفر شاگرد کشته و تعداد زیادی شاگردان که بیشتر از بیست نفر بوده مجروح گردیدند. گفته می شود تعداد زیادی از مجروحین در حال مرگ قرار دارند.

همچنین راکت دیگری در پیله وری نزدیك قصر دارالامان فرود آمد. این راکت که در ایستگاه بس دوغ آباد انفجار نمود، جان پنج نفر را گرفته و به تعداد هشت نفر را مجروح نمود.

طبق این گزارش، فیر راکت ها توسط طالبان، پس از آن به غرب کابل افزایش یافته است که شورای نظار سه پایه توپ دیسی را در منطقه سرای غزنی جابجا کرده از آنجا بالای طالبان فیر می نماید. و طالبان نیز در پاسخ بی رحمانه بالای مردم بی گناه، راکت باران می نمایند.

گزارش علاوه می دارد، مردم کابل، هر دو طرف در گیر را مسئول این راکت باران ها، دانسته محکوم می نمایند. مردم با ناراحتی بایکدیگر می گویند، هیچ کسی بحال این مردم بیچاره رحم نمی کند حتی آنانیکه با پرچم سفید آمده اند و دیروز این راکت اندازی ها را محکوم می کردند .

محترم حاجی محمد محقق عضوشورای ...

المسلمین حاجی محمد محقق، عضو شورای مرکزی ورئیس شورای ولایتی بلخ و داکتر سیمائمر عضوشورای مرکزی ح. و. ا. ا. در این جلسه سخنرانی نمودند.

محترم حاجی محمد محقق در سخنرانی خود اول محور های عدالت اجتماعی، حل مسالمت آمیز قضیه افغانستان از طریق دیالوگ سیاسی و تشکیل حکومت بر پایه های وسیع مردمی بدون تعصباب مذهبی و قومی تاکید نموده خواهان قطع مداخلات خارجی و کمك آنان در حل قضیه افغانستان روی اساسات فوق گردید. سخنران دیگرازسوی حزب وحدت اسلامی، داکتر سیمائمر بود که در دفاع از حقوق زنان در افغانستان سخنرانی نمود. وی وضعیت زنان را در افغانستان اسف بار توصیف نموده، از بی توجهی به وضعیت و حقوق آنان گلایه کرد و خواستار گردید که در هر طرحی باید وضعیت و حقوق زنان در نظر گرفته شود.

این اولین بار است که دریك چنین جلسه ای. نماینده گانی از قشر محروم و مظلوم زن، شرکت نموده از وضعیت زنان در افغانستان سخن می گوید.

حزب وحدت اسلامی، این تعهد را دارد که نه تنها از عدالت و تساوی حقوق بین ملیت ها واقوام دفاع نماید که تا بر قراری عدالت اجتماعی و تضمین حقوق همه اقشار جامعه اعم از زن ومرد، تلاش پیگیر و قفه ناپذیر خود را ادامه دهد.

قرار اطلاع بدست آمده در جلسه اجتماعیه کمیته خارجی مجلس سنای آمریکا علاوه بر نمایندگان احزاب و شخصیت های مستقل افغانی، سفرای کشور های همسایه نیز حضور داشتند.

مسؤلین ومتنفذین حوزهء سیغان با استاد خلیلی دیدار نمودند

صبح روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/٤/۲، محترم حاجی محمد رئیس حوزه سیغان با جمعی از مسؤلین حوزه ومتنفذین این منطقه با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، دیدار نمودند.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان، در این دیدار، ابتدا مشکلات ومسایل مردم سیغان به عرض مقام رهبری رسیده، مورد بررسی قرار گرفت وآنگاه استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا. در زمینه هدایات لازم را ارائه دادند.

جمعی از قوماندانان ورس با استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی دیدار کردند

صبح روز پنجشنبه مطابق با ۱۳۷۵/۳/۳۱، جمعی از قوماندانان‌ورس، با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با استاد خلیلی دبیر کُل ح.و.ا.ا دیدار کردند .

طبق گزارش خبر گزاری وحدت اسلامی، در این دیدار ابتدا قوماندانان، گزارش مفصل از وضعیت منطقه ورس به عرض مقام رهبری رسانده، مشکلات وخواستهای مردم منطقه را، بیان کردند. آنگاه استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا، با اشاره به توطئه های دشمنان عزت مردم ما، تأکید کردند که حزب وحدت اسلامی مصمم است به هر گونه شرارت ها وراهزنی ها، خاتمه داده، برای مردم خود امنیت وآسایش را تأمین نماید. در پایان در جهت بهبود وضع مردم واستقرار امنیت، از طرف مقام رهبری، هدایات لازم ارائه گردید.

جمعی از مسؤولین ومتنفذین کوی بیرون بهسود با استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا دیدار کردند

روز پنجشنبه مطابق با ۱۳۷۵/۳/۳۱، محترم شیخ زاده قوماندان حوزه امنیتی وجنرال محسنی با جمعی از علماء ومتنفذین منطقه کوه بیرون بهسود باحضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با مقام رهبری حزب دیدار کردند.

خبر گزاری وحدت اسلامی، گزارش می دهد: ابتدا حجة الإسلام احمدی به نمایندگی از سایرین، انتخاب استاد خلیلی را به مقام دبیرکُل حزب وحدت اسلامی، تبریك گفته، سلام و تمنیات نیك مردم کوی بیرون را، حضور مقام رهبری، تقدیم نمود. سپس جنرال محسنی،گزارشی مفصلی از وضعیت نظامی منطقه را به اطلاع مقام رهبری رسانده، پیشنهادات وخواسته های مردم منطقه را مطرح نمود.

طبق این گزارش آنگاه استاد خلیلی دبیرکُل حزب وحدت اسلامی، با تشکر از احساسات پاك مردم منطقه کوی بیرون، به تشریح موضع صلحجویانه حزب وحدت اسلامی پرداخت. ایشان با اشاره به توطئه های ننگین دشمنان مردم ومشکلاتی که ازین ناحیه برای مردم بوجود می آید، فرمود :

ما طرفدار جنگ نیستیم ولی شرارت ونا امنی را هم در هزاره جات تحمل کرده نمی توانیم، به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد که هزاره جات غرب کابل شود. ما مکلف به دفاع از مردم خود هستیم. کوی بیرون یکی از مناطق محروم هزاره جات است وما مردم این منطقه را فراموش نمی کنیم .

گزارش علاوه می دارد: در پایان،مقام رهبری به ارتباط بهبود وضع مردم وامنیت منطقه رهنمودهای مشخصی را ارائه فرمودند .

دگر جنرال رسول پهلوان ...

بسوی شهر مزار شریف برمی گشت و در نزدیکی دروازه ورودی شهرءشخصی بنام صمد از ولایت فاریاب، بالای او فیر نموده او را قربانی هدفهای شوم دشمنان وطن و میهن نمود.

گزارش حاکیست دراین حمله نا جوانمردانه تروریستی، پانزده تن از محافظین جنرال رسول پهلوان نیز قربانی گردید و شخص تروریست نیز به سزای عمل خود رسیده به دیار نیستی سپرده شد.

جنرال یوسف سخنگوی جنبش ملی اسلامی افغانستان در توضیح این توطئه خائنانه و نامردانه با خبر نگار رادیو بی بی سی گفت:

برادر جید ما دگر جنرال رسول پهلوان، معاون اول شواری نظامی صفحات شمال و رئیس شورای نظامی ولایت فاریاب که در ایجاد و تکامل جنبش ملی اسلامی افغانستان، نقش به سزایی داشتند، دیروز ساعت ۷ در اثر یك توطئه نا جوانمردانه ایکه بدون شك، دشمنان آزادی، استقلال و دموکراسی و عدالتخواهی مردم ما، آنرا سازماندهی کرده بودند، مورد اصابت مرمی یك تن از تروریست های ناپاك قرار گرفت و جام شهادت را نوشید. شخصی که دست به این عمل زده بود، توسط محافظین ص٦

استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا. در دیدار با اعضای شورای مساجد:

یکی از اهداف وآرزوهای دیرینه ما، تأمین امنیت وتغییر سیمای فقر وجنگ زده، بامیان است. علاقمندیم که بامیان یك شهر زیبا برای مردم افغانستان وبا توجه به آثار تاریخی آن، یك شهر دیدنی برای دنیا شود.

عضای شورای مساجد با استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، دیدار کردند

روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/٤/۲ بیش از هفتاد نفر از اعضای شورای مساجد، با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، با استاد خلیلی دبیرکل ح.و.ا.ا واستاد عرفانی معاون اول شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، دیدار نمودند .

خبر گزاری وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان، گزارش می دهد: دراین دیدار که ماهوار پس از اجلاس ماهانه این شوری صورت می گیرد، مشکلات مردم بطور مستقیم از زبان نمایندگان شان، با مقام رهبری مطرح گردیده، هدایات مقام رهبری در زمینه به مردم منتقل می شود.

در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز یافت، ابتدا حجة الإسلام افضلی، رئیس شورای مساجد، حاضرین را به مقام رهبری معرفی واز ایشان بخاطر پذیرش شوری درحضور شان سپاسگذاری نمود. آنگاه چند تن از نمایندگان، عرایض خویش را به حضور مقام رهبری تقدیم نمودند.

گزارش حاکیست، همچنین در این دیدار قطعنامه جلسه ماهانه شوری، توسط محترم فقیر قرائت گردید . در پایان استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، طی سخنان کوتاهی با اشاره به اهداف حزب وحدت اسلامی وتوطئه های دشمنان عزت وسرافرازی مردم فرمودند:

یکی از اهداف وآرزوهای دیرینه ما، تأمین امنیت وتغییر سیمای فقر وجنگ زده، بامیان است. علاقمندیم که بامیان یك شهر زیبا برای مردم افغانستان وبا توجه به آثار تاریخی آن، یك شهر دیدنی برای دنیا شود.

استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی، با اشاره به اهمیت وبزرگی شورای مساجد، اضافه نمودند:

تنها راه مطمئن که ما بتوانیم حرف ها ودردهای مردم خوب خود را بشنویم، شورای مساجد است. ما شورای مساجد را جدی تلقی می کنیم،ما امیدواریم که شورای مساجد، مؤثرتر عمل نماید وحلقه وصل مطمئن مردم با حزب شان باشد.

اعضای شورای مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی دبیرکُل ح . و . ا . ا . تشکیل جلسه دادند

عصر روز شنبه مورخ ۱۳۷۵/٤/۲ شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، با حضور اعضای شورای عالی نظارت تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کُل ح. و. ا. ا. تشکلیل جلسه دادند.

خبر گزاری وحدت اسلامی به نقل از دارالانشای حزب، خبر می دهد، این جلسه که با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز گردید، ابتدا استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی، اوضاع سیاسی نظامی کشور را مورد بررسی قرار داده، اجندای جلسه را اعلام فرمودند، آنگاه اعضای جلسه، روی اجندای مطروحه بحث و بررسی مفصل انجام داده، تصمیم مقتضی در زمینه اتخاذ گردید.

خبر حاکیست در این جلسه هیئتی از انجنیران توظیف گردید تا محلی را برای ساختمان دانشگاه بامیان سروی و تعیین نمایندهدر این جلسه تأکید صورت گرفته که کار ساختمانی دانشگاه هر چه زود تر باید آغاز شود.

گزارش علاوه می دارد همچنین در این جلسه سه تن از اعضای جدید شواری مرکزی حزب وحدت اسلامی به شمول محترم حیات الله سبحانی، مدیر محمد آصف احمدی و حجة الا سلام الهامی، مراسم تحلیف را بجای آوردند.

تطبیق واکسیناسیون اطفال درهزاره جات آغاز به کار کرد

صبح روز چهارشنبه مطابق با ۱۳۷۵/۳/۳۰طی محفل با شکوهی، با حضور مقام رهبری حزب وحدت اسلامی.کمپاین وسیع واکسیناسیون در هزاره جات آغاز گردید .

خبرنگار خبر گزارش وحدت اسلامی از شهر باستانی بامیان، خبر می دهد: در محفل آغاز

و اکسیناسیون اطفال و مادران که با حضور استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. و شرکت جمع کثیری از مردم بامیان و مسؤلین حزبی و ولایتی، دایر گردیده بود، ابتدا آیاتی از کلام الله مجید قرائت گردید وپس از آن داکتر فرید مسؤل ساحوی موسسه اویسن، طی بیانیه ای، هدف از اجرای کمباین و کیفیت عملی نمودن واکسیناسیون را برای مردم تشریح نمودند و آنگاه محترم هاشمی عضو شورای مرکزی و مسؤل کمیته صحی حزب وحدت اسلامی، مراتب قدر دانی کمیته صحی را از تطبیق واکسیناسیون و همکاری این کمیته را در زمینه اعلام داشتند. و بدنبال آن داکتر غفاری نماینده موسسه صحی جهانی، بر نامه های موسسه را در هزاره جات، تشریح نمودند.

گزارش حاکیست؛ در پایان این محفل، استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی، طی سخنانی، با اشاره به محرومیت تاریخی مردم هزاره جات، از موسسات صحی جهانی، کمیته ها و سازمان های خیریه جهانی، تشکر نموده، فعالیت های مثبت آنان را در جهت رفع محرومیت ها، مورد ستایش و قدر دانی قرار داد و خواستار شد که این گونه مؤسسات بیشتر از پیش به فعالیت های بشر دوستانه خود در این ساحات بپردازند.

استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی در قسمتی از سخنان خود فرمودند: ما از تمام مجامعی که در سالهای اخیر مقداری توجه نموده، گامهای مثبتی در گوشه و کنار هزاره جات، بر داشته اند، سپاسگزاری نموده، خواستاریم که این مقدار کافی نبوده، دست اندر کاران این مؤسسات باید تلاش و سیعتری را آغاز نمایند. بیش از این گامهای مستقلی را بردارند. ما از این کمیته ها و منابعی که در کشور های دور و نزدیك مرتبط هستند، استقبال می کنیم و هر نوع همکاری را از طرف مردم خود و حزب وحدت اسلامی، وعده می دهیم. امید واریم که با همکاری حزب وحدت اسلامی، برنامه کمباین واکسیناسیون، در سراسر هزاره جات،چراگردد.

گزارش علاوه می دارد که استاد خلیلی دبیر کُل ح. و. ا. ا. با چکاندن سه قطره واکسین فلج اطفال، در حلق طفلی رسماً کار کمباین را آغاز کردند.

در پاکسازی ونسوالی پنجاب ۲۵ نفر...

گزارش به نقل از یك منبع نظامی میافزاید؛ مسلح بودن عوامل مزدور به سلاحهای ساخت ایران، دخالت ایران در اشتعال آتش جنگ در هزاره جات را، بیش ازپیش بر ملا می سازد، این سیاست ایران بر خلاف ادعاهای صلح طلبی شان در افغانستان می باشد؛ چون صلح با کلاشنکوف پیاده شدنی نیست.

طبق این گزارش عملیات تصفیوی به طرفورس همچنان ادامه دارد .

قوماندانان جبهه شیخعلی با استاد خلیلی دبیر کُل حزب وحدت اسلامی دیدار کردند

روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۵/٤/۳ قوماندانان جبهه شیخعلی با حضور در مقر مرکزی حزب و حدت اسلامی، با استاد خلیلی دبیر کُل ح. و. ا. ا. دیدار نمودند.

خبر گزاری و حدت اسلامی از بامیان گزارش می دهد؛ در این دیدار قوماندانان منطقه شیخعلی ضمن گزارش از او ضاع نظامی خطوط مقدم جبهه ها تأکید نمودند که مجاهدین با روحیه بسیار عالی به انجام وظیفه ملی و مردمی خود مشغولند، آماده گی برای دفع هر گونه تجاوز وجود دارد

قوماندانان در این دیدار تعهد سپردند که تا پای جان در خدمت مردم و حزب مردم خود باشند و ازینکه در سنگرهای عزت و شرف مردم خود قرار دارند، احساس غرور و افتخار می نمایند.

سپس استاد خلیلی دبیر کُل ح. و. ا. ا. با قدر دانی از همت بلند سنگر داران دفاع از حریم حرمت مردم، در رابط با نظم و دسیپلین هر چه بیشتر نیروهای رزمی تأکید و دستور فرمودند.

شماره ۲۰ / صفحه ۸

بسمه تعالی

[انالله و انا الیه راجعون]

بردار محترم ستر جنرال الحاج عبدالرشید دو ستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان و رئیس شواری نظامی صفحات شمال کشور!

السلام وعلیکم و رحمة ا...

بدین وسیله عمیق ترین تاثرات خود را از سوی شورای عالی نظارت و مرکزی، قوماندانان، قطعات مسلح، منسوبین و جزوتامهای ح. و. ا. ا. و تمام مردم شریف صفحات مرکزی افغانستان، نسبت شهادت جانگداز برادر بزرگوارهدگر جنرال عبدالرسول پهلوان، معاون جنبش ملی اسلامی و معاون ریاست شورای نظامی صفحات شمال، خدمت جناب شما و از همان طریق به یکایك قوماندانان، افسران و مسوؤلین جنبش ملی اسلامی افغانستان ومردم شمال کشور تقدیم داشته فقدان ایشان را تسلیت می گویم.

بی تردید شهادت ایشان ضائعه جبران نا پذیر و مصیبت بزرگی است که جریان عدالتخواهی، ظلم ستیزی و محرومیت زدائی کشور با آن روبرو می شود و ایشان یکی از اسطوره های این حرکت تعالی بخش محرومین جامعه افغانستان به حساب می آید و لیکن شهادت شخصیت های مثل ایشان همیشه جوامع را جان تازه بخشیده و در پیمودن خط و راهی که رفته اند آنانرا مصمم و استوار میسازد. حزب وحدت اسلامی که خود متعلق به محروم ترین قشر و ملیت جامعه افغانستان بوده و بر خاسته از متن توده های میلیونی مردم همیشه محروم هزاره و شیعه می باشدما پیوند عمیق و نا گسستنی با سایر محرومین کشور و احساس اخوت و برادری پایدار نسبت به جنبش ملی اسلامی افغانستان از این واقعه دلخراش سخت متاثر و متأسف استما ضمن اینکه تاکید می ورزیم که حزب وحدت اسلامی، جهت، پاسداری از خط رهبر شهید تا آخر در کنار دوستان ایشان بوده و در دوستی با ج. م. ا. استوار و ثابت خواهیم بود، بار دیگر شهادت این فرزند صدیق کشور را به تمامی آزادیخواهان و عدالت خواهان، به جناب شما، مسوؤلین و هواداران ج. م. ا. ا. وخانواده دغدارش تسلیت می گویم و برای ایشان علو در جات و غفران الهی و برای باز ماند گانش صبر جمیل و اجر جزیل آرزو داریم.

و السلام

دبیر کُل ح. و. ا. ا. محمد کریم خلیلی

۱۳۷۵/٤/۵

در گیری شدید بین نیروهای ملك غفور و حاجی عبدالاحمدشاه درکتارخاك، هفت نفر را قربانی نمود

در اوایل هفته گذشته، در گیری شدید بین نیروهای ملك غفور مربوط ربانی و حاجی عبدالاحمد شاه قوماندان حرکت اسلامی در کتارخاك بوقوع پیوست و در اثر این در گیری هفت نفر کشته و تعدادی زیادی مجروح گردید.

شاهدان عینی خبر می دهد؛ این در گیری که از روز شنبه گذشته شروع شده و تاکنون. ادامه دارد، باعث شده است که راه ترکمن مسدود گردد. علت در گیری مردم آزاری و راهگیری پاتك های طرفین بوده که باعث جنجال و کشمکش گردیده، بالاخره به زدوخورد منجر شده است.

هفته نامهء سیاسی، فرهنگی و خبری

امروز ما

زیر نظر شورای نویسندگان

UNIVERSITY TOWN P. O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

قیمت یك شماره : ۳ روپیه یا معادل آن